

خبرها

شناس‌های اسکار بازیگری مرد ۲۰۱۹

رکوردهایی که شاید شکسته شود

بخش فرهنگی – در حالی که نزدیک به ۲ ماه به موعد اعلام اسامی نامزدهای جوایز اسکار ۲۰۱۹ باقی مانده است، رسانه‌ها فهرستی از شناس‌های اصلی نامزدی در رشته بهترین بازیگری مرد را منتشر کرده‌اند.

به گزارش خبرنگار مهر، در حالی که نزدیک به ۲ ماه به زمان رسمی اعلام اسامی نامزدهای جوایز نود و یکمین دوره اسکار باقی‌مانده است، مطبوعات و رسانه‌های سینمایی درباره نامزدها همچون دوره‌های گذشته به گمانه زنی می‌پردازند و البته برخی رسانه‌ها نیز برای این گمانه‌زنی‌ها رکوردهایی را که ممکن است جابه جا شود بر می‌شمرند.

سایت گلددربی با ذکر شناس‌های اصلی نامزدی جایزه اسکار بازیگری نقش اول و مکمل مرد امسال به برخی از اتفاقات تاریخی که احتمال دارد در این شاخه‌ها رخ دهد، نگاهی داشته است.

در بخش بهترین بازیگر نقش اول مرد شناس اصلی نامزدی و حتی کسب جایزه اسکار را تا به امروز بردلی کوپر با فیلم «ستاره‌های متولد شده است» در اختیار دارد؛ شناس بر د ۵ به ۱۹ ارزیابی شده است.

پس از وی کریستین بیل ایفاگر نقش دیک جتی، معاون جورج دیبلو بوش در درام زندگینامه‌ای «معاون» با شناس بر د ۴ به قرار دارد.

دیگر بخت‌های نامزدی اسکار، ویگو مورتسنن برای «کتاب سبز»، رامی‌ملک برای «بوهمین رایسودی» و رایان گاسلینگ برای «نخستین انسان» هستند و البته چند شناس دیگر را نیز نمی‌توان نادیده گرفت افرادی چون ویلم دفو با فیلم «در دروازه بدیت»، اتان‌هاک با فیلم «اولین اصلاح شده» و رابرت ردفورد با فیلم «پیرومرد و تفتک».

لازم به ذکر است با وجود این که هیچ شناسی تاکنون از سوی منتقدان برای مجموعه عوامل فیلم «پرلندی» به دلیل آماده نشدن فیلم تا به امروز در نظر گرفته نشده، با این حال با توجه به صحبت‌های اخیر پل شریدر فیلمنامه‌نویس بزرگ سینما و دوست دیرین مارتین اسکورسیزی درباره اکران محدود فیلم «پرلندی» برای فصل جوایز از سوی نتفلیکس، باید دوا رابرت دنیرو بازیگر کهنه‌کار سینما را نیز جزو شناس‌های احتمالی نامزدی جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش اول مرد قلمداد کرد و البته در میان نامزدهای احتمالی نقش مکمل مرد نیز فیلم «پرلندی» با وجود بازیگران مطرحی چونهاروی کیتل، آل پاجینو و جو پیشی شناس نامزدی در این شاخه را نیز داراست.

برای معرفی نامزدهای احتمالی نقش مکمل مرد نیز به سراغ پیش‌بینی‌های موجود می‌رویم. بخت اصلی نامزدی و کسب جایزه اسکار نقش مکمل مرد تا به امروز از آن ماهرشالا علی برای «کتاب سبز» با شناس بر د ۲۰ به ۶۹ است.

پس از آن سام الیوت برای «ستاره‌های متولد شده است» با شناس ۲ به ۹ قرار دارد. تیموتی شالامی برای «پسر خوب»، ریچارد ای. گرانت برای «آیا اصلا می‌توانی من را ببخشی؟» و سام راکول برای «معاون» به ترتیب جایگاه سوم تا پنجم شناس نامزدی جایزه اسکار را در این رشته در اختیار دارند و البته همچون شاخه نقش اول مرد، بازیگرانی چون آدام درایور برای «ژادپرست سیاه»، مایکل بی جوردن برای «پلنگ سیاه» و دنیل کالوای برای «بیهواها» نیز برای حضور در میان پنج نامزد نهایی امیدوار هستند.

با توجه به آمارها یکی از شاخص‌ترین رکوردهایی که ممکن است در جوایز امسال جابجا شود این است که ۳ فیلم «ستاره‌ای متولد شده است»، «کتاب سبز» و «معاون» بخت این را دارند که در هر دو رشته بازیگری نامزد جایزه اسکار شده و البته جایزه اسکار را نیز از آن خود کنند. این ۳ فیلم ۳ مرتبه کسب این دو جایزه می‌توانند نام خود را در کنار ۵ فیلم دیگر در تاریخ ۹۰ ساله جوایز اسکار که پیش از این توانسته بودند جایزه اسکار را در هر دو شاخه بدست آورند قرار دهند:

«به راه خود می‌روم» (۱۹۴۴) بینگ کرازبی جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش اول مرد و بری فردینزدرالد جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش اول مرد را بدست آوردند.

«بهترین سال‌های زندگی ما» (۱۹۴۶) فردریک مارچ جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش اول مرد وهارولد راسل جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش مکمل مرد را بدست آوردند.

«بن هور» (۱۹۵۹) چارلتون هستون جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش اول مرد و هیو گریفیث جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش مکمل مرد را بدست آوردند.

«رودخانه مرموز» (۲۰۰۳) شون پن جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش اول مرد و تیم راینیز جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش مکمل مرد را بدست آوردند.

«باشگاه خریداران دالاس» (۲۰۱۳) متیو مک‌کانهی جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش اول مرد و جرد نتو جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش مکمل مرد را بدست آوردند.

در صورت کسب جایزه اسکار از سوی بردلی کوپر در شاخه بازیگری یک رکورد تاریخی دیگر نیز در جوایز اسکار امسال به ثبت خواهد رسید. نام بردلی کوپر در صورت بدست آوردن جایزه اسکار، در کنار لارنس اولیویه و روبرتو بینینی به عنوان تنها بازیگرانی که در فیلمی به کارگردانی خودششان جایزه اسکار را بدست آورده‌اند قرار خواهد گرفت. بارها با نامزد شدن بازیگرانی چون وارن بیتی، اورسن ولز، کلینت ایستوود، کوین کاستنر و دنزل واشینگتن این اتفاق در شرف رخ دادن قرار گرفته بود اما حالا به نظر می‌رسد که همه عوامل دست به دست هم داده اند تا بردلی کوپر به این رکورد تاریخی دست پیدا کند. یکی دیگر از رکوردهایی که ممکن است در جوایز امسال شکسته شود مربوط به تیموتی شالامی است. شالامی جوان که سال گذشته با فیلم «مرا با نامت صدا کن» نامزد جایزه اسکار شده بود امسال با فیلم «پسر زریا» شناس نامزدی و حتی دریافت جایزه اسکار نقش مکمل مرد را در اختیار دارد. در صورت کسب جایزه اسکار او با ۲۳ سال و ۵۹ روز (با توجه به تاریخ ۲۴ فوریه ۲۰۱۹ روز برگزاری مراسم اسکار) پس از تیموتی هانت ۲۰ سال و ۲۲۷ روزه که لقب جوانترین برنده جایزه اسکار مکمل بازیگری را در اختیار دارد قرار می‌گیرد. هوتون این جایزه را در سال ۱۹۸۰ برای فیلم «مرد معمولی» ساخته رابرت ردفورد بدست آورده بود.

یکی دیگر از رکوردها مربوط به ماهر شالا علی بازیگر فیلم «کتاب سبز» است، او که تا به امروز اصلی ترین شناس کسب جایزه اسکار نقش مکمل مرد به حساب می‌آید در صورت کسب این جایزه به ۶ بازیگر دیگری که در ۲ نامزدی جایزه اسکارشان ۲ بار این جایزه را از آن خود کرده اند می‌پیوندد. پیش از این لوئیز رایتر، ویوین لی، هلن هیز، کوین اسپیسلی، هیلاری سوانک و کریستوف والترز بازیگرانی بوده اند که به این مهم دست یافته اند. حال به نظر می‌رسد ماهرشالا علی نیز به این جمع اضافه شود.

{ فرهنگ و هنر }

۱۲ فیلم ناراحت کننده که جرأت تماشای دوباره آن‌ها را ندارید

۳- **ایتلند امپایر (۲۰۰۶)**



تمامی فیلم های دیوید لینچ به نوعی شبیه رویا هستند اما «بلندلند امپایر» (INLAND EMPIRE) یک سوررئالیسم نیمه آگاهانه محض است، یک ارکستر سینمایی که بیش از ۳ ساعت ادامه دارد. این فیلم همانی است که برخی از منتقدان آن را فیلمی «غیرممکن برای نقد کردن در روزنامه» و «بسیار پیچیده و فرقابل درک» توصیف کرده اند. تماشای این فیلم مانند این است که به یکباره وارد دنیای بدترین کابوس های لینچ شده باشید. برای برخی از طرفداران فیلم های لینچ، تماشای «بلندلند امپایر» یک تجربه سینمایی خیره کننده‌است اما اغلب سینماورها آن را بدترین ماجراجویی سینمایی شان توصیف کرده اند.

این فیلم بدون شک ارزش یک بار تماشا را دارد اما وقتی که داستان به پایان می رسد بسیار آشفته تر از آن خواهید بود که بتوانید یک بار دیگر آن را تماشا کنید. داستان از این قرار است که بازیگری به نام نیکی گریس قصد دارد در یک فیلم بازی کند، فیلمی که تاریخچه ای تاریک دارد. با فرو رفتن بیشتر و بیشتر نیکی در شخصیت خود، مرزهای بین داستان و واقعیت رنگ می بازد و در نهایت به شرایطی می رسد که نمی تواند فرق بین بازی و زندگی واقعی اش را تشخیص دهد. اگر چه در این فیلم نیز مانند همیشه باید هوش و نبوغ متفاوت لینچ را تحسین کرد اما در فیلم «بلندلند امپایر» بیشتر با سوال روبروی می شوید تا این که پاسخی به سوالات شما داده شود.

۴- **کشتی گیر (۲۰۰۸)**



دارن آرونوفسکی سابقه ای طولانی در شکستن قلب و تکان دادن تماشاگران فیلم های خود دارد، او همان کسی است که فیلم های «پرانگری مانند THE FOUNTAIN)» و «هرتیه برای یک رویا» (REQUIEM FOR A DREAM) ساخته است، فیلم هایی که ممکن است تا چند روز پس از تماشای آن ها نتوانید مانع گریه خود شوید. یکی دیگر از فیلم های او «کشتی گیر» (THE WRESTLER) است، فیلمی در مورد عضلات دردناک، استخوان های شکننده و عمیق ترین و همزمان برای تنهایی و انزوایی که یک انسان تاکنون تجربه کرده است.

شخصیت اصلی داستان کشتی گیری به نام رندی «هرم» رابنسون است، مردی که روزها اعتبار و شهرت به پایان رسیده است، او با کار در یک سوپرمارکت روزگار می گذراند و همزمان برای درآمدی بیشتر گاهی در مسابقات کشتی کج کم اهمیت نیز شرکت می کند. بعد از این که رندی از یک سکنه قلبی شدید بازن سالم به در می برد، مجبور می شود که برای همیشه یک کشتی خداحافظی کند. تنها و افسرده، سعی می کند بار دیگر با دخترش که سال ها پیش ترکش کرده ارتباط برقرار کند و حتی برای پیدا کردن عشق به یک کلوب شبانه می رود. اما شناس های دوباره خیلی راحت خراب می شوند و نمی توان براحتی آن ها را جبران کنید. از این رو وقتی که زندگی رندی تمام معنای خود را از دست می دهد تصمیم می گیرد که زندگی خود را که تنها چیزی است که برایش باقی مانده به خطر انداخته و برای آخرین بار وارد رینگ مبارزه شود. این فیلم بزرگ یکی از آن فیلم های است که شما را به شدت به گریه وامی دارد. هنگامی که رندی به دخترش می گوید: «من یک تکه گوشت قدیمی خرد شده هستم، خیلی تنها هستم، البته لیاقت همین است که تنهای تنهای باشم. اما نمی خوام که تو یکی از من منتظر باشی.» سعی کنید گریه نکنید. یا زمانی که رندی وارد محل کارش می شود و خروش تماشاگران را تصور می کند اما با مشتربانی بداخلاق و پرآدم روبروی می شود سعی کنید جلوی اشک های خود را بگیرید. یا کسانسی که در آن قهرمان خسته و درمرانده داستان می خواهید درخواست تماشاگران را اجابت کرده و برای آخرین بار حرکت مخصوص خودش را انجام دهد بدون شک اشک در چشمانتان حلقه خواهد زد و غمی عمیق را در درون خود حس خواهید نمود. فیلم دیدنی «کشتی گیر» حتی سنگدل ترین و سرسخت ترین تماشاگران را نیز تکان خواهد داد و وقتی که به پایان برسد دیگر دوست نخواهید داشت آن را از نو تماشا کنید.

۵- **فهرست قتل (۲۰۱۱)**



فیلم «فهرست قتل» (KILL LIST) ساخته بن ویتلی کی فیلم بریتانیایی ترسناک است که خشونت و وحشت موجود در آن را می توان با فیلم های «پیر پسر» و فیلم ترسناک «مرد حصیری» (THE WICKER MAN) مقایسه کرد. تماشا کردن فیلم تا پایان بسیار دشوار است چه برسد به این که بخواهید یک بار دیگر نیز از ابتدا تا انتهای به تماشای آن بنشینید. این فیلم که در سال ۲۰۱۱ ساخته شد داستان جی را بازگو می کند، سربازی که اکنون به یک قاتل اجیری تبدیل شده و به یکباره با مشکلاتی بزرگ روبروی می شود. او دچار مشکلات مالی شده و روابط شخصی اش بحرانی شده است و احتمال استرس ناشی از حوادث گذشته نیز او را رنج می دهد.

در این میان اما وقتی او برای کشتن سه هدف ظاهر ساده دست بکار می شود، با این وجود، وقتی که جی برای تمام کردن کار قربانیان خود ظاهر می شود، آن ها از این که قرار است توسط جی کشته شوند از او تشکر می کنند. چنین اتفاقی بسیار ترسناک تر و گیج کننده تر از ائی است که جی فکر می کرد و خیلی زود جی در می یابد در توطئه ای گرفتار شده که خونریزی فراوانی در پی داشته و به فداکاری های بزرگ نیاز دارد. تماشای فیلم های بن ویتلی همیشه دشوار بوده است- برای مثال «اسمانخارش» (HIGH-RISE) و «زمینی در انگلستان» (A FIELD IN ENGLAND)- اما «فهرست قتل» تمامی احساس های انسان را درگیر خود می سازد. نه تنها این فیلم را باید یکی از پرتعلیق ترین فیلم های تاریخ سینما دانست بلکه ویتلی بار دیگر ثابت کرده که به خوبی می تواند شناس های ترسناکی متمایز و با تأثیری فراتر از حد تصور بسازد. اگر این فیلم را یکبار دیده باشید، بدون شک دیگر تمایل نخواهید داشت برای یک بار دیگر شناس های غیرممکن می سازد.

چکش را تماشا کنید. سکانس پایانی فیلم در میان گروهی کافر لخت نهایت یک کابوس است اما چند دقیقه پایانی فیلم است که شما را با نهایت وحشت روبروی می سازد. نمی خواهیم سکانس پایانی را اسپویل کنیم اما به شما می گوئیم که پس از یک بار تماشای آن دیگر نخواهید خواست تماشای آن را تجربه کنید زیرا این سکانس مانند این است که از پشت خنجر بخورید و سپس در حالی که دل و روده‌تان را بیرون ریخته اند به حال خود رها شوید.

۶- **دشمن (۲۰۱۳)**



اگر شما هم از آن دسته افرادی هستید که از عنکبوت می ترسید به شما هشدار می دهیم. اگر موجودات هشت پا شما را دچار وحشت می کردند باید از فیلم «دشمن» (ENEMY) به شدت فاصله بگیرید. این فیلم ترلیر ترسناک که توسط دنیس ویلنو ساخته شده، پر از تصویرسازی عنکبوتی است، از یک عنکبوت غول پیکر در حال پرسه زدن در شهر تا زنی با سری ترسناک و ناراحت کننده خواهند یافت. با این وجود در فیلم شاهکار «دشمن» چیزهای ترسناک بسیار بیشتری رخ داده و ترس آن تنها به این بندپایان شیطان صفت ختم نخواهد شد. در این فیلم که سراسر آن با پیش زمینه رنگ زردی بسیار ناخوشایند فیلمبرداری شده داستان یک استاد دانشگاه (جیک جیلنهال) را روایت می کند که کشتی بسیار ناخوشایند کرده است. او بعد از اجاره یک فیلم خاص، بازیگری را در فیلم می بیند که دقیقاً شبیه اوست. در نهایت این دو همزاد با یکدیگر برخورد می کنند و همین قدر بگوئیم که این دو دوستانی خوب از کار در نمی آیند. جیلنهال یک مرد بددل و خشن است که استاد جیلنهال افسرده و عجیب و غریب را بیش از پیش در تاریکی فرو می برد. جیلنهال که در این فیلم دو نقش را بازی کرده با شخصیت های دوگانه خود که اعمال خوفناکی مانند اخاذی، تجاوز و بازیچه قرار دادن را مرتکب می شوند باعث می شود که حالتان بد شود. علیرغم بن مایه تاریک و ناخوشایند فیلم اما شاید مجبور شوید یک بار دیگر نیز فیلم را تماشا کنید تا به طور کامل متوجه پایان بندی داستان شوید. اما اگر می خواهید سکنه قلبی را تجربه نکنید بهتر است که بگذاردی پایان داستان همچنان برایتان رازآلود باقی بماند.

۷-**منچستر کنار دریا (۲۰۱۶)**



وقتی که پای به تصویر کشیدن درد و غم به میان می آید، هیچ کس نمی تواند جای کیسی افکر را بگیرد. شاید این غم در چشم های سوگوار یا صدای خش آواز و زنجراتی قابل حس باشد، هر چه که هست، افکک می تواند غم و دردش را با تماشاگر به اشتراک بگذارد و او قوی ترین بازی افسرده کننده خود را در فیلم «منچستر کنار دریا» (MANCHESTER BY THE SEA) ارائه می دهد. افکل در این شاهکار سینمایی نقش لی چاندلر را بازی می کند، یک سرایدار ساختمانی که از دنیای اطرافش بریده است. تنها باری که با اطرافیانش رابطه برقرار می کند زمانی است که در کافه با شخصی درگیر می شود.

با این وجود، زمانی که برادرش در اثر سکنه قلبی می میرد، لی مجبور می شود از مخفیگاهش بیرون آید. طبیعتا لی مجبور است که به زادگاهش بازگردد تا مراسم تدفین را تدارک دیده و از برادرزاده اش، پاتریک، مراقبت کند. اما در شرایطی که لی قصد دارد وظیفه برادرانه اش را انجام دهد او می خواهد هر چه زودتر شهر زادگاهش را ترک نماید. لی در این شهر گذشته تلخی داشته و هر جا که می رود ارواح گذشته و خاطرات اتفاقات دردناک گذشته او را رها نمی کنند. در نهایت دلیل تفرغ لی از شهر زادگاهش و دلیل افسردگی اش را متوجه می شویم که او را به یک مرد گوشه گیر و سرد با خمشی فرو خورده تبدیل کرده است. یک روز عصر، بعد از یک شب میگساری، لی به طور تصادفی آتشی را روشن می کند که دو بچه اش را به کام مرگ می فرستد. او که قادر نیست با غم ناشی از این حادثه تلخ کنار بیاید از همسرش جدا شده و نهایت تلاش خود را برای گم و گور شدن انجام می دهد. برای لخطاتی به نظر می رسد که رابطه نزدیک شکل گرفته بین او برادرزاده اش می تواند کم گذشته راز او بین ببرد اما اینجا خبری از پایان خوش نیست. لی در نهایت نشان می دهد که نمی تواند با افسردگی و احساس گناهش کنار بیاید. این شرایط برای همیشه همراه او بوده و آزارش خواهد داد. اینجا هیچ راه حل ساده و پایان خوشی وجود ندارد و در حالی که «منچستر کنار دریا» یک فیلم شاهکار و بی نقص است اما تماشای اتفاقات ناراحت کننده و شوربخش شخصیت دوست داشتنی فیلم برای بار دوم باعث می شود که بار دیگر دو ساعت دردناک را تحمل کنید.

۸- **سکوت (۲۰۱۶)**



فیلم «سکوت» (SILENCE) پروژه جدید دیگری از مارتین اسکورسیزی است که در آن دیگر خدای گانگسترها، پلیس ها، قاسد و قاتلین تاکسی سوار نیست. به جای این داستان های جذاب، این فیلم داستان دو کشیش یسوعی به نام پدر رودریگز (اندرو گارفیلد) و پدر گاروب (آدام درایور) را روایت می کند که برای تبلیغ دین مسیحیت و اطلاع از سوسولتی استادشان به سرزمین آفتاب تانان سفر می کنند. هدف اصلی آن ها جستجو و نجات پدر فریرا (لیام نیسن) است که توسط دولت ژاپن شکنجه شده و زیر این شکنجه ها دست از ایمان خود کشیده است. ایمان پدر رودریگز که یک مسیحی بسیار معتقد و سرسخت است پس از افتادن به دست فرماندار ژاپنی، اینو ماساشیگه، که یک ژاپنی بیرحم است در بونه آزمایش قرار می گیرد. ماساشیگه در این فیلم می خواهد این کشیش را به کام مرگ فرستد بلکه قصد دارد روح او را خرد کرده و او را به بازگشت از اعتقادات مذهبی اش وادار. همانطور که از پیش نیز مشخص است، ماساشیگه در تغییر دادن باور مسیحیان و وادار کردن آن ها به بازگشت از دین

شنبه ۲۶ آبان ۱۳۹۷

۵ تماشای دوباره آن‌ها را ندارید

خود بسیار موفق است. از همان فریم اول، فیلم دردناک «سکوت» به شما می گوید که انتظار یک فیلم خانوادگی در مورد باورهای دینی را نداشته باشید.

سربازان ژاپنی در دهان مسیحیان نگون بختی که از درد فریاد می کشند، آب داغ می ریزند. روستاییان کاتولیک شکنجه شده و به صلیب کشیده می شوند. مردم وحشت زده محلی دست و پا بسته به اعماق اقیانوس فرستاده می شوند. از همه بدتر این که مسیحیان به شدت شکنجه شده را وارونه از دستگاهی که درد ناشی از شکنجه با آن ها هیچ چیز دیگری قابل مقایسه نیست آویزان می کنند. بدتر از شکنجه های فیزیکی، پدر رودریگز دائماً با حد شکنجه روحی قرار می گیرد. او دائماً از خود می پرسد که آیا باید اعتقادات قلبی اش را کنار گذاشته و با گذشتن از ایمان خود باعث نجات دوستان و هم کیشانش شود؟

و از آن مهم تر این که او از خود می پرسد آیا در میان این همه شکنجه و درد چرا خداوند ساکت مانده است؟ چه انسان پایمانی باشید و چه در زنده می خدایان قرار بگیرید، فیلم «سکوت» به شما یادآوری می کند که ایمان گمراه کننده، غرور هرگز نیست، ویرانگر است و سکوت جهان بدترین و دردناک ترین شکنجه هاست.

۹- **کشتن گوزن مقدس (۲۰۱۷)**



یور گوس لانتیموس یک فیلمساز منحصرفرد و بسیار بااستعداد است اما فیلم هایش همواره باعث می شوند که مخاطب درد و رنج را در درون خود حس نماید. وقتی که پای تماشای کردن فیلم های او به میان می آید، تنها یک فیلم او کافی است که شما را افسرده کند: «کشتن گوزن مقدس» (THE KILLING OF A SACRED DEER)، فیلمی در مورد بیرحمی انسان و خشم خداوند. در این فیلم، کالین فارل نقش یک جراح قلب خونسرد و بی عاطفه به نام استیون مرفی را بازی می کند که علاقه او به مشروبات الکلی باعث مرگ یکی از بیمارانش شده است.

او نمی پذیرد که در این قاعده سهمی داشته و این موضوع برای فرزند قربانی که یک نوجوان غریبانه به نام مارتین لانگ است قابل قبول نیست. از همان ابتدا مشخص است که مارتین کمی متفاوت و اسرارآمیز است. شاید تنها سبک سخن گفتن او غیرعادی است یا حتی شیوه اسپاگتی خوردنش، شاید هم قدرت خداگونه او در نفرین تمام اعضای خانواده استیون. به عنوان بخشی از نقشه انتقام، مارتین به استیون می گوید که تمام خانواده او به دلیل یک بیماری مرموز خواهند مرد.

آن ها فلج شده و سپس از غذا خوردن امتناع می ورزند. بعد از این که شما هم آن ها شروع به خونریزی می کند، تعادلشان را نیز از دست می دهند. تنها راه متوقف کردن این بیماری این است که استیون یکی از اعضای خانواده اش را بدست خود بکشد. لانتیموس تمام جزئیات دردناک داستان را در قالب صحنه های خشن و ناراحت کننده ای مانند زمین خوردن و خزیدن جنه های استیون به بیننده نشان می دهد. زمانی که بچه ها علیه یکدیگر نقشه می کشند و از پدرشان ملتسمانه می خواهند که دیگری را بکشد، داستان بیش از پیش به سمت تاریکی می رود. درماندگی، خیالت و خونریزی موجود در داستان بسیار ویرانگر است و همگی این مولفه ها در یکی از دردناک ترین و خشن ترین اوج داستان های تاریخ سینما همزمان به تصویر کشیده می شوند.

فیلم «کشتن گوزن مقدس» فیلمی با قدرتی تأثیرگذار است که وحشت موجود در آن را نمی توان با فیلم های ترسناک اسلشر نیز مقایسه کرد و به همین دلیل کمتر کسی راضی می شود بیش از یک بار این شاهکار سینمایی را بنظاره گر باشد. بدون شک پس از پایان داستان کسی که تماشای این فیلم را به شما توصیه کرده مورد لعن و نفرین قرار خواهید داد!

۱۰- **ایستگاه فروتویل (۲۰۱۳)**



رایان کوگلر و مایکل بی جوردن فیلم های بسیار دوست داشتنی با قابلیت تماشای چند باره ساخته اند، «پلنگ سیاه» (BLACK PANTHER) یکی از سرگرم کننده ترین فیلم های دنیای مارول بوده و «کرید» (CREED) نیز تقریباً بی نقص ساخته شده است. با این وجود، «ایستگاه فروتویل» (FRUITVEIL STATION) با این تفاوت های بسیار زیادی دارد، اولین داستان کوگلر با داستانی قوی که هر کسی باید دستکم یک بار آن را تماشا کند. اما این بدان معنا نیست که دوست داشته باشید خیلی زود بار دیگر به سراغ تماشای این فیلم بروید به خصوص اگر داستان فیلم برای شما آشنا باشد. این فیلم که بر اساس داستانی تراژیک و واقعی ساخته شده، داستان اسکار گرانت (جوردن) را روایت می کند، یک مرد ۲۲ ساله که توسط یک مامور دولتی کشته می شود و دردناک این که فیلم با صحنه واقعی کشته شدن او آغاز می شود. بدین ترتیب از همان ابتدای داستان می دانیم که در نهایت چه اتفاقی خواهد افتاد و انتظار چه پایان تراژیکی را باید داشته باشیم. در فیلم شاهد رابطه نزدیک و دردناک اسکار با دخترش و دیگر غریبه های داستان هستیم. او را سرزنده و در حال بدختر زدن و خندیدن می بینیم. اگر چه او مشکلاتی دارد اما اسکار یک انسان صادق است که می خواهد همه چیز را بهتر کند و از همه دردناک تر این که می دانیم او در نهایت فرصتی برای بهتر کردن اوضاع پیدا نمی کند.

کوگلر در نشان دادن اسکار به عنوان یک انسان زنده و شاداب بسیار خوب عمل کرده است. اسکار عشق می ورزد، درد را احساس می کند، مرتکب اشتباه می شود و انسان های زیادی تحت تأثیر قرار می دهد. اما تمامی اشتباه های او برای داشتن یک آینده بهتر پس از هدف گلوله قرار گرفتن از پشت آن هم به هیچ دلیل خاصی به پایان می رسند. یک با انسان در روز سال نو میلادی در نتیجه خونریزی جان می دهد و به پایان رسیدن داستان «ایستگاه فروتویل» تماشاگر نه فقط افسرده می شود بلکه برای زندگی که به این زودی به پایان رسيد سوگواری می کند. یکی دیگر از رکوردها مربوط به ماهر شالا علی بازیگر فیلم «کتاب سبز» است، او که تا به امروز اصلی ترین شناس کسب جایزه اسکار نقش مکمل مرد به حساب می آید در صورت کسب این جایزه به ۶ بازیگر دیگری که در ۲ نامزدی جایزه اسکارشان ۲ بار این جایزه را از آن خود کرده اند می پیوندد. پیش از این لوئیز رایتر، ویوین لی، هلن هیز، کوین اسپیسلی، هیلاری سوانک و کریستوف والترز بازیگرانی بوده اند که به این مهم دست یافته اند. حال به نظر می‌رسد ماهرشالا علی نیز به این جمع اضافه شود.